

با زنی ازدواج کن که اگر «مرد» بود، بهترین دوستت می‌شد.

www.mandegardaily.com

سال ششم: شماره یک هزار و سه صد و هفتاد و هشت: چهارشنبه ۲۶ سنبله/شهریور ۱۳۹۳: ۲۲ ذوالقعدة الحرام ۱۴۳۵: ۱۷ سپتمبر ۲۰۱۴

در برنامه گرامی داشت از هفته شهید
در دانشگاه پروفیسور استاد برهان الدین ربانی:
تفکر مسعود باز خوانی شود



هارون مجیدی

از هفته شهید و سیزدهمین سالروز شهادت احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور در دانشگاه پروفیسور استاد برهان الدین ربانی گرامی داشت به عمل آمد.
در این برنامه، شمار زیادی از استادان دانشگاه، دانش جویان و نمایندگان مردم در مجلس اشتراک کرده بودند.
فضل الحق فضل معاون دانشگاه پروفیسور برهان الدین ربانی ضمن خوش آمدگویی به مهمان، گفت: گرامی داشت از هفته شهید و یادبود از شهادت قهرمانی ملی کشور فرصت خوبی است تا از جان فشانی‌ها و رشادت‌های این بزرگان یاد نماییم.
در این برنامه...

ادامه صفحه ۶

نگرانی از نکات مبهم در متن توافق نامه جدید



تجربه حکومت داری در افغانستان نشان داده که ساختن حکومت آسان است، ولی حکومت داری دشوار. اگر از درون حکومت وحدت ملی باز هم نوعی استبداد سر بر آورد و تکرورهای آغاز شود، بدون شک باید اذعان کرد که چنین حکومتی هرگز به صرفه نبوده و نمی‌تواند پاسخ گوی مطالبات شهروندان باشد. مردم واقعا از فضای فعلی خسته‌اند و می‌خواهند که انتخابات به نتیجه برسد، ولی از جانب دیگر به همان میزان از حکومتی که بر مبنای مصلحت و معامله به وجود آمده باشد، بیزارند

صفحه ۶

پرویز مشرف رییس جمهور سابق پاکستان:

حضور طالبان پنجابی در افغانستان خبری خوش آیند است وزارت خارجه پاکستان: اتهامات تکراری کابل بی اساس و غیر سازنده است

در ناآرامی‌های این کشور را «بی اساس و غیر سازنده» توصیف کرد.
کابل به تازگی نسبت به بیانیه اخیر عصمت اله معاویه فرمانده طالبان ایالت پنجاب پاکستان که اعلام کرده است فعالیت‌های نظامی را در پاکستان متوقف می‌کند اما همچنان به حملات خود در افغانستان ادامه خواهد داد، بشدت واکنش نشان داده است.
شورای امنیت ملی افغانستان مدعی شده اند که بیانیه این فرمانده طالبان «دخالت آژانس‌های امنیتی پاکستان در افغانستان» است.
وزارت امور خارجه پاکستان عصر سه شنبه با صدور

بیانیه‌ی در پاسخ به این ادعای افغانستان اعلام کرد: اسلام آباد این گونه اتهامات را کاملاً رد می‌کند و به هیچ گروهی هرگز اجازه نخواهد داد تا از خاک این کشور علیه کشورهای دیگر استفاده کند.
در بیانیه وزارت خارجه پاکستان آمده است: اتهامات اخیر شورای امنیت ملی و وزارت امور خارجه افغانستان ناامید کننده است. ادعاهای تکراری افغانستان مبنی بر دخیل دانستن آژانس‌ها و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی پاکستان در اقدامات تروریستی در آن کشور کاملاً بی اساس و غیر سازنده است.
این بیانیه می‌افزاید...

ادامه صفحه ۶



پاکستان اتهامات اخیر مقام‌های عالی افغانستان مبنی بر دست داشتن آژانس‌های امنیتی و اطلاعاتی پاکستان

مقام‌های ارشد امنیتی:

سازمان دهنده جنگ هلمند پاکستان بود



سه مقام امنیتی افغانستان در ارتباط به چالش‌های امنیتی در کشور و اقدامات مرزی پاکستان در امتداد خط دیورند روز سه شنبه به مجلس سنا فرا خوانده شده بودند.
این مقام‌ها با آن که سال جاری را برای نیروهای امنیتی و دشمن خونین‌ترین سال یاد کردند؛ اما به مردم افغانستان اطمینان دادند که نیروهای امنیتی آماده‌اند از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور دفاع کنند.
بسم الله محمدی وزیر دفاع، محمد عمر داوودزی وزیر داخله و حسام الدین حسام معاون اول امنیت ملی برای پاسخ‌دهی به سوالات سناتوران به مجلس سنا حضور یافتند.
چالش‌های امنیتی در سطح کشور، حفر خندق در امتداد خط دیورند و حملات راکتی پاکستان به داخل خاک افغانستان و چگونگی مبارزه با خودسری‌ها و

ادامه صفحه ۶

کشته شدن سه نظامی خارجی در کابل



در نتیجه یک حمله انتحاری گروه طالبان بر یک کاروان نیروهای نظامی خارجی در نزدیکی سفارت ایالات متحده آمریکا در کابل سه سرباز ناتو کشته شدند.
گفته می‌شود که در پی این حمله، سه سرباز نیروهای ایساف تحت رهبری ناتو کشته شده و دست‌کم سیزده فرد...

ادامه صفحه ۷

در برگه‌ها



تشکیل دولت
وحدت ملی
در گرو یک
پیش شرط

پسامدرنیسم
و فلسفه
تاریخ



مولانا؛
شوریده‌یی
پریش



آرامگاه شکوری
بخارایی، ناجی
زبان فارسی
در تاجیکستان
رونمایی شد



حلیمه حسینی

تشکیل دولت وحدت ملی

در گرو یک پیش شرط



دیگر به حتم نتیجه را اعلام خواهند کرد؛ همان طور که به گفته خودشان، نتیجه برای آنها معلوم است و می دانند چه کسی برنده است و رییس جمهور کشور چه کسی خواهد بود. اما آنها نتیجه را اعلام نخواهند کرد تا رسیدن دو نامزد به توافق. ولی باید گفت که نتیجه نزد آنها هر چه باشد، اهمیتی برای مردم ندارد و این روند آن قدر به اقتضای کشیده شده که دیگر هر دو رقیب باید تلاش برای استناد به نتیجه کمیسیون انتخاباتی و تکیه بر رای و اعلام برد و باخت از سوی این نهاد که دیگر فاقد صلاحیت و مشروعیت شده را کنار بگذارند و در فضایی دوستانه برای رسیدن به توافق سیاسی و تشکیل دولت وحدت ملی، به مذاکره بنشینند. آنها باید هدف از تشکیل دولت وحدت ملی را، رقم زدن یک حکومت داری ملی به شکلی بدانند که دیگر هیچ کس احساس نکند که صدا و خواستش در بطن این نظام و ساختار شکننده نشده و یا نادیده گرفته شده است.

اما اگر یکی از طرفین بخواهد استراتژی و اجندای گفتمان خود را در تشکیل دولت وحدت ملی و کارت های بازی اش در این میدان را بر اساس امید به اعلام نامش از سوی کمیسیون انتخابات به عنوان برنده انتخابات تنظیم کند و بخواهد دست بالاتری در بازی داشته باشد، یقیناً این بن بست بحران را شکسته نخواهد شد؛ چرا که پذیرفتن این حقیقت که انتخابات دیگر مشروعیت خود را از دست داده و نتیجه هر چه که باشد نمی تواند برای برنده امتیازی به همراه بیاورد، همان اصلی است که می تواند گره کور کشمکش ها و جنجال های انتخاباتی را بگشاید و حل کند؛ همان کشمکش هایی که افغانستان را قدم به قدم به ورطه تباهی و نابودی سوق می دهد.

با یک چنین سرنوشت رقت انگیزی مواجه شده، چه باید کرد تا این بحران ناشی از این شکست بزرگ مدیریت شود؟ این بار انتقال قدرت و فرم دهی نهادهای سیاسی و اجرایی کشور با چه مکانیزمی باید تنظیم شود؟ آیا به راستی هیچ چاره ای جز برگشت به عقب و یک بار دیگر تجربه اسفبار دهه های قبل را نداریم؟ شاید بتوان به جرأت ادعا کرد که بحث تشکیل دولت وحدت ملی، همان استراتژی و راهکاری است که در یک چنین شرایط خاصی موضوعیت یافته و باید روی آن فکر جدی کرد. طرح دولت وحدت ملی، وقتی می تواند راه گشا باشد و نقطه پایانی بر کشمکش ها و جنجال های انتخاباتی که ابتدا مقدمه شکل گیری این دولت فراهم شود و هر دو طرف به آن باور داشته باشند. فرضیه تشکیل دولت وحدت ملی در فضای کنونی افغانستان وقتی جامه عمل می تواند بپوشد و موفقانه تطبیق شود که باور کنیم این دولت و این فرم از حکومت داری، زاییده بحران است که پس از شکست دیگر راهها و مکانیزم های مردم مداری با آن روبه رو شده ایم؛ بدین معنا که پس از شکست مسیرها و روش هایی مثل انتخابات، تشکیل دولت وحدت ملی، یگانه راهی است که با طی آن می توان کشور و جامعه سیاسی را از فروپاشی و یا رفتن به سمت آشفته گی و بی ثباتی سیاسی حفظ کرد.

بعد از پذیرفتن این واقعیت که امروز در افغانستان، انتخابات شکست خورده و دیگر نمی تواند مشروعیت داشته باشد و نتیجه هر چه باشد مورد قبول مردم قرار ندارد و مبنای یک حکومت مشروع مردمی شده نمی تواند، آن گاه می توان بر روی تشکیل دولت وحدت ملی بحث کرد و محورهای تشکیل آن را مورد بررسی قرار داد.

کمیسیون های انتخاباتی تا چند روز

توافقات میان دو رقیب انتخاباتی، این روزها به نظر می رسد که با بحران تازه ای مواجه شده است. تلاش ها برای مشروعیت بخشی به روندی که مشروعیت خود را از دست داده است، دردی را دوا نکرد و هر دو رقیب هر روز با اجندا و بازی تازه ای در فضای متشنج شده سیاسی کشور، در تلاش اند تا امتیازی به دیگری ندهند و حتا اگر بتوانند امتیاز بیشتری را به دست آورند. ولی آنچه در وضعیت کنونی قابل توجه است و نمی توان انکار کرد این است که انتخابات با افتضاحات، تقلبات و حاشیه هایی که به آن آلوده شد، دیگر نمی تواند مدار اعتبار باشد. بدون شک مدار و محور اعتبار در یک انتخابات، شفافیت و اراده نیکی است که هم رای دهنده گان و هم برگزارکننده گان باید آن را داشته باشند تا بتوان به این باور رسید که نتیجه بیرون آمده از دل صندوق های رای می تواند ضمانت فراگیر بودن صلاحیت و مشروعیت حکومتی باشد که بر اساس آرای مردم شکل می گیرد. اما پرسش این جاست که چند درصد از مردم ما امروز به این انتخابات و نتیجه ای که قرار است اعلام شود، باور دارند؟

آنچه بر سر انتخابات ما آمد، فاجعه ای بود تکان دهنده و ناامیدکننده. یقیناً مردم ما با هزاران آرزو به پای صندوق های رای رفته بودند و می خواستند انتقال مسالمت آمیز قدرت را نه با زور و نه با خون که با رای و رنگ انگشتان خود تجربه کنند. اما آنچه امروز از آن همه شور و خیال و آرزو باقی مانده است، یک انتخابات شکست خورده، آلوده به تقلب و فرو رفته در هزاران سوال و اما و اگر است. این انتخابات و نتیجه برآمده از آن نخواهد توانست ضمانت مردمی بودن و مشروع بودن حکومتی شود که قرار است بر مبنای آن شکل بگیرد. پس چاره چیست؟ امروز که انتخابات ما

سخن ماندگار

دولت وحدت ملی بر مبنای توافق سیاسی شکل بگیرد

با آن که پیوسته از توافقاتی میان دو دسته انتخاباتی در رسانه ها سخن می رود، اما تا کنون هیچ پیشرفتی در کار نیست. ظاهراً اعلام نتایج انتخابات و تقسیم مساویانه قدرت، محل منازعه طرفین است و به همین دلیل است که میانجی گری های نهادهای ملی و بین المللی تا کنون نتیجه ای در پی نداشته است.

دسته تحول و تداوم تا کنون بر اعلام نتایج انتخابات پافشاری دارد و امیدوار است با اعلام نتایج پرتقلب انتخابات، امتیاز به دست نیامده مشروعیت سیاسی را از آن خود کند. زیرا بر همه گان معلوم است که در صورت اعلام نتایج پرتقلب انتخابات کدام یک از دسته های انتخاباتی برنده است. افزون بر آن، تقسیم مساویانه قدرت که یکی از تعهدات طرفین بوده نیز مورد سوال تیم تحول و تداوم است. آقای غنی تلاش دارد که قدرت مساویانه تقسیم نشود. به احتمال قوی این بُعد مسأله، پس از اعلام نتایج پرتقلب انتخابات - که یقیناً جناب اشرف غنی برنده آن است - برای وی اهمیت می یابد. اما این همه در حالی است که این انتخابات یک دال بی مدلول شده و برای مردم افغانستان و جامعه جهانی، سر سوزن مشروعیت ندارد.

به رغم این که انتخابات افغانستان یکی از پرهزینه ترین انتخابات های تاریخ کشور بوده، اما سوگ مندان هیچ نتیجه قابل قبولی از آن بیرون نشده است. علاوه بر آن، این انتخابات تمام پروسه دموکراسی را زیر سوال برده، چندان که شاید از این پس انتخابات هیچ کارکرد شمیری در سرنوشت سیاسی افغانستان نداشته باشد.

بنا بر همین مسأله بود که طرح تشکیل دولت وحدت ملی مطرح شد. چون انتخابات نتیجه ده نبود، میکانیزم پذیرفته شدن طرح تشکیل دولت وحدت ملی نیز از راه توافق سیاسی بود که مورد قبول جامعه جهانی و طرفین دعا و ریاست جمهوری کشور قرار گرفت و آنها متن توافق نامه را امضا کردند.

اکنون اگر ادعایی مبنی بر عدم توافق صورت می گیرد، به نحوی پافشاری بر نتیجه انتخابات پرتقلب است. زیرا هدف تقلب سازمان یافته در انتخابات، انحصار قدرت بود و اکنون هرگونه تأکید بر نپذیرفتن طرح دولت وحدت ملی به معنای آن است که اصحاب تقلب نمی خواهند سرنوشت سیاسی کشور به سامان برسد.

اصحاب تقلب، سعی داشتند تا هژمونی تاریخی تسلط یک قوم بر اقوام دیگر را از مجرای تقلب و قانون شکنی نگه دارند. چون هرگونه راه مشروع سیاسی دیگر برای رسیدن به این هدف، قبلاً بسته شده بود. اینک که تقلب گسترده و توطیه بزرگ سیاسی شان فاش شد و خود با هزار لابی و دروغ و تزویر، مسأله مصالح علیای کشور و حفظ وحدت ملی را پیش کرده اند، بار دیگر سعی در ادامه رسیدن به اهداف شان دارند. به عبارت دیگر، اصحاب تقلب اکنون می خواهند از طریق ایجاد سوء تفاهم در متن اصلی توافق نامه سیاسی، همان هژمونی تاریخی تسلط قوم خود بر اقوام دیگر را حفظ کنند.

سوگ مندان که در این نیرنگ اصحاب تقلب، جامعه ملل نیز اغفال و افسون شده است و هرگز مجال آن را نمی یابد که نیت اصلی این گروه را بفهمد. و الا بر همه گان روشن است که دولت وحدت ملی از راه توافق سیاسی مطرح شده و نیز از همین راه به دست خواهد آمد. هر نوع بهانه تراشی فرار از این پروسه به معنای تأکید بر تقلبی است که در انتخابات به کار رفته بود. اگر این پروسه از راه سیاسی آن مطابق میل جانب مدعی به میان نیاید، بی گمان که آینده کشور یک بار دیگر به مخاطره افکنده می شود و مسوول آن کسی نیست جز کسانی که با سازمان دهی تقلب، یک پروسه دموکراتیک را به گند کشیدند.

آسوشیندپرس

کشور کوچک قطر و نقش بسیار بزرگ در استراتژی امریکا



انجام می‌دهد. رهبران قطر نیز همانند دیگر متحدان در خلیج فارس نمی‌خواهند تا پنتاگون حقیقت را افشا کند چرا که نسبت به اینکه با واشنگتن بسیار صمیمی دیده شوند، تردید دارند. امریکا نیز از این خواسته تبعیت کرده و از تأیید علنی این مساله که بمب افکن‌های «B-1» و دیگر جنگنده‌های امریکایی از پایگاه هوایی العدید قطر عملیات خود را انجام می‌دهند، امتناع کرده است. با این وجود این یک حقیقت آشکار است که هواپیماهای امریکا از این پایگاه پروازهای شناسایی، سوخت‌گیری‌ها و دیگر ماموریت‌های خود را بر فراز عراق انجام می‌دهند.

نیروی هوایی امریکا به صورت علنی اذعان کرده که هواپیماهای باری C-130، C-17 از پایگاه هوایی العدید در اوت سالی جاری میلادی به عنوان یک ماموریت بشر دوستانه، آب و مواد غذایی را برای ایزدی‌های بی‌خانمان شده در اطراف کوه‌های سنجان در عراق از آسمان به زمین انداخته‌اند.

با این حال فلورنوی می‌گوید: قطر نباید فکر کند که امریکا هرگونه اقدام دوحه را برای حمایت از گروه‌های افراط‌گرا تحمل می‌کند.

او می‌افزاید: قطر نباید بر قدرت خود درخصوص میزبانی ارتش امریکا بیش از حد حساب کند. پایگاه هوایی العدید یک تأسیسات بسیار مفید است اما برای ما تنها پایگاه نیست. نقل مکان از این پایگاه به یک پایگاه هوایی دیگر برای امریکا غیر ممکن نیست. در نتیجه الان زمان مناسبی برای قطر است تا با دقت استراتژی‌های خود را بازبینی کند.

یکی از معاونان کنگره امریکا می‌گوید: تعدادی از قانون‌گذاران ارائه این درخواست برای انتقال هواپیماهای امریکایی به یک پایگاه دیگر را آغاز کرده‌اند. این موضوعی نیست که دولت اوایما فعالانه در حال بررسی آن باشد. اما برخی از اعضای کنگره می‌پرسند که آیا امریکا باید در کشوری که به حمایت از حماس و افراط‌گرایان متهم است، پایگاه هوایی داشته باشد و توافق تسلیحاتی جدید با آن امضا کند؟

میشل فلورنوی، معاون سابق وزیر دفاع امریکا در سیاست و مدیر اجرایی مرکز «امنیت جدید امریکا» می‌گوید: قطر یک کشور کوچک و غنی است که تلاش می‌کند تا نفوذ ۳۶۰ درجه خود را حفظ کند. آن‌ها جلوی شرط بندی‌های خودشان را می‌گیرند و تلاش می‌کنند تا مطمئن شود که با آمدن هر کس در راس امور خاورمیانه، آن‌ها همچنان نفوذ خود را داشته باشند.

از سوی دیگر قطر جزو ۱۰ کشوری است که در چند روز گذشته به صورت علنی اعلام کرد که از تعهد اوایما برای توقف و نابودی کامل داعش حمایت می‌کند. این ۱۰ کشور متعهد شدند تا موج مبارزان خارجی و حمایت مالی از این شبه‌نظامیان را متوقف، با ایدئولوژی افراط‌گرایانه آن‌ها مخالفت و کمک‌های بشر دوستانه فراهم کنند. برخی از آن‌ها نیز پیشنهاد داده‌اند تا در حملات هوایی تحت رهبری امریکا به شبه‌نظامیان داعش بپیوندند.

قطر صحرایی است که از شبه جزیره عرب در مرکز خلیج فارس بیرون آمده است. این کشور توسعه روابط نظامی نزدیک خود با امریکا را در جریان جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ میلادی آغاز کرد. درست چند هفته پس از آنکه نیروهای امریکا در آوریل سال ۲۰۰۳ میلادی دولت بغداد را سرنگون کردند، فرماندهی مرکزی امریکا مرکز عملیات هوایی منطقه‌ای خود را از پایگاه هوایی «شاهزاده سلطان» در عربستان سعودی به پایگاه هوایی «العدید» در چند کیلومتری دوحه، پایتخت قطر منتقل کرد.

قطر همچنین یکی از بزرگترین خریداران تسلیحات پیشرفته امریکا است. به طور مثال قطر در ژوئن سال جاری میلادی یک بسته‌ی توافق ۱۱ میلیارد دلاری را برای خرید هلی‌کوپترهای جنگنده آپاچی ساخت امریکا و تسلیحات دفاع هوایی پاتریوت و جاولین امضا کرد. اگرچه قطر میزبان پایگاه‌های نظامی امریکا است اما واشنگتن را وادار کرده تا علناً اذعان نکند که ماموریت‌های نظامی خود را از پایگاه هوایی «العدید»

درست چند کیلومتر دورتر از جایی که منظومین تروریستی سابق زندان گوانتانامو در قطر نگهداری می‌شوند، جنگنده‌های امریکایی از پایگاه هوایی «العدید» قطر در جنگ جهانی علیه تروریسم به پرواز در می‌آیند. این تضاد نشان می‌دهد که چرا کشور کوچک اما غنی قطر یکی از بازیکنان جالب توجه و مهم در چیزی است که باراک اوایما، رئیس‌جمهوری امریکا می‌گوید یک «جنگ بزرگ برای متوقف کردن و نهایتاً نابودی شبه نظامیان داعش در عراق و سوریه» است.

قطر به عنوان یکی از شرکای نظامی امریکا نقش بسیار بزرگی ایفا می‌کند. اوایما به صورت علنی از قطر به خاطر میانجی‌گری‌اش در توافق مناقشه‌آمیزی که در مه سال جاری میلادی منجر به آزادی بو برگدال، گروهان ارتش امریکا از چنگال طالبان شد، قدردانی کرده است. این رویداد در ازای آزادی پنج تن از مقامات ارشد طالبان که سال‌ها در زندان گوانتانامو واقع در کوبا محبوس بودند، صورت گرفت. قطر به اوایما تعهد داده که این پنج مقام ارشد طالبان را به مدت یکسال تحت نظر بگیرد و پس از آن، آن‌ها آزادند تا این کشور را ترک کنند. دولت اوایما قطر را به خاطر نقشش در تضمین آزادی پیترو کورتیس، گروهان افراطی نیز مورد تحسین قرار داده است.

اما قطر به عنوان یکی از حامیان گروه‌های افراطی بدون توجه به ناراضیاتی واشنگتن نیز مشهور است. تعدادی از قانون‌گذاران در کنگره امریکا، قطر را به حمایت مالی از شبه‌نظامیان داعش متهم می‌کنند اما وزارت امور خارجه امریکا می‌گوید که واشنگتن هیچ سند و مدرکی در این باره ندارد.

مقامات قطر در دوحه فوراً درباره این نظریه اظهار نظر نکرده‌اند، اما دولت این کشور صریحاً حمایت از داعش را رد کرده است. خالد بن محمد العطیه، وزیر امور خارجه قطر ماه گذشته میلادی گفت که کشورش به هیچ وجه از گروه‌های افراطی همچون داعش حمایت نمی‌کند.

تحلیل گران غربی می‌گویند: قطر هر از گاهی تلاش می‌کند تا میان تمایلش برای برقراری روابطی خوب با امریکا و اقداماتش برای حفظ نفوذ بیشتر در داخل یک اقدام تعادلی ناشیانه انجام دهد.

دنیل بنجامین، هماهنگ کننده سابق مسائل مقابله با تروریسم وزارت امور خارجه امریکا که در حال حاضر مدیریت مرکز «Dartmouth's Dickey» برای درک و شناخت بین‌المللی را به عهده دارد، می‌گوید: قطر همیشه به دنبال این دیدگاه است و این واقعاً بهترین راه است که می‌تواند این مساله را توضیح دهد. قطر با داشتن روابط بسیار وسیع و گسترده، خودش را در مرکز تمامی مسائل قرار داده است.

قطر به خالد مشعل، رهبر تبعیدی حماس، یکی از سازمان‌های فلسطینی که از سوی امریکا به عنوان یک گروه تروریستی تلقی می‌شود، پناه داده است. اما قطر به روابط خود با اسرائیل، دشمن حماس و همچنین گروه‌های اسلامی همچون اخوان‌المسلمین که کشورهای حوزه خلیج فارس همچون عربستان سعودی قدرت تحمل آن را ندارند، نیز ادامه داده است.

بیل کلینتون:

نتانیاهو مرد صلح نیست



«بیل کلینتون»، رئیس‌جمهوری سابق امریکا در گفت‌وگو با یکی از فعالان حامی فلسطین اذعان کرد که «نتانیاهو مرد برقراری صلح نیست».

به نوشته روزنامه دیلی میل، این اظهارات جنجالی بیل کلینتون، رئیس‌جمهوری سابق امریکا توسط دوربین‌هایی در مراسم سیاسی در ایالت آیووا ضبط شده است.

کلینتون و همسرش هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه سابق امریکا در مراسم جمع آوری پول برای حزب دموکرات در ایالت آیووا شرکت کردند و یک فعال حامی فلسطین با بیل کلینتون گفت‌وگو کرد.

بیل کلینتون گفت: بنیامین نتانیاهو (نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی) مردی نیست که بخواهد با فلسطینیان صلح کند.

بیل و هیلاری کلینتون به این ایالت رفته بود که در فصل گذشته انتخابات در اولین انجمن «استیک کباب شده هارکین» شرکت کنند. روزنامه نیویورک پست نیز گزارش داد که این فعال که نامش فاش نشده است، به بیل کلینتون گفت: اگر ما او را مجبور به پذیرش صلح نکنیم، به صلح نمی‌رسیم. نتانیاهو مرد این کار نیست. بیل کلینتون نیز در پاسخ گفته است: با شما موافقم.

بعید به نظر می‌رسد که کلینتون از ضبط این مکالمه آگاه بوده باشد چرا که این اتفاق و اظهارات منحصر به فرد وی در پایان جلسه این انجمن مطرح شد. این برنامه «آشپزی در فضای باز» از سوی سناتور دموکرات تام هارکین که در حال بازنشستگی است، برگزار شد و سیاستمداران بدبین معتقدند که این سفر پیش درآمد نامزدی احتمالی هیلاری کلینتون در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ است.

این مکالمه پس از آن صورت گرفت که هیلاری آن‌ها را ترک کرد. وی از حامیان سرسخت رژیم صهیونیستی است و طی مصاحبه اخیر خود با آتلانتیک با جدیت از نتانیاهو دفاع کرده بود.

کری:

جنگ فکری علیه داعش از جنگ نظامی مهم‌تر است

وزیر خارجه امریکا اعلام کرد: قانع کردن شبه‌نظامیان تندرو مبنی بر اینکه گروه تروریستی داعش چهره اسلام را زشت کرده است به مراتب با اهمیت‌تر از اقدامی نظامی علیه این گروه است.

به گزارش روزنامه مصری الیوم سابع، جان کری، وزیر امور خارجه امریکا در خلال سفرش به خاورمیانه اظهار کرد: ما از نظر فکری با داعش می‌جنگیم نه نظامی. وجود شاخه نظامی علیه داعش مساله‌ی مهم است ولی به تنهایی کافی نیست چرا که مساله با اهمیت‌تر از فعالیت نظامی در واقع تلاش برای خشکاندن منابع مالی کمک رسان به تروریست‌هاست.

جان کری اظهار کرد: هدف اصلی در واقع گرد هم آوردن رهبران عرب و اتفاق نظر در خصوص این مساله است که داعش نماینده و نسخه پاک و خالصی از اسلام نیست بلکه هدف آن زشت کردن چهره آن است.

کری تأکید کرد: تمام کشورها خواهان توقف اقدامات داعش آن هم از طریق نیروهای مبارز جوان هستند اما در این راه مشکلاتی وجود دارد.

در مجله وابسته به مرکز علوم و امور بین‌المللی وابسته به دانشگاه هاروارد درخصوص نقش عربستان سعودی در نابودی داعش گفته شده که عربستان تنها قدرتی است که قدرت و مشروعیت کافی و لازم را برای نابودی داعش دارد و موسسات دینی همچون دانشگاه الازهر و دارالفتوی آن نیز درخصوص اظهار نظر و متوقف ساختن این گروه تروریستی نقش بارزی دارند.

این مجله نوشت: تلاش‌ها برای اعمال فشار علیه گروه‌های تروریستی به امریکا نیز رسیده است تا جایی که این کشور از رسانه‌های عربی خواسته تا علیه اقدامات گروه‌های تروریستی برنامه‌های متعددی پخش کنند.

از سوی دیگر روزنامه امریکایی نیویورک تایمز در گزارشی اعلام کرد: تاکنون صدها تن از اعضای خارجی اروپایی و امریکایی به گروه تروریستی داعش پیوسته و بیشتر سربازان داعش از سوی ترکیه تأمین می‌شود.

بنابر گزارش‌های منتشر شده از رسانه‌های ترکیه حدود هزار ترکیه‌ای به گروه تروریستی داعش ملحق شده‌اند و تعداد اعضای این گروه چیزی حدود ۲۰ تا ۳۱ هزار نفر است.

این روزنامه امریکایی اعلام کرد که امریکا با اعمال فشار بر رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه از وی خواست تا فرستادن افراد ترکیه‌ای برای عضویت در گروه تروریستی داعش را متوقف کند.

حمله به یک پایگاه نظامی پاکستان در مرز افغانستان

شبه‌نظامیان خارجی و محلی در این منطقه آغاز کرده است. در ادامه این بیانیه آمده است، نیروهای امنیتی پاکستان این حمله را دفع کرده و یکی از شبه‌نظامیان را دستگیر کردند.

پاکستان و افغانستان مرزی نفوذپذیر با وضعیت بی‌ثبات را با یکدیگر به اشتراک گذاشته‌اند که اغلب صحنه حملات بین مرزی است.

شبه‌نظامیان هر دو کشور از این مرز عبور می‌کنند تا از خاک کشور همسایه به عنوان پایگاهی امن استفاده کنند.

در همین حال، یکی از شاخه‌های تندروی جدید طالبان پاکستان امروز مسوولیت حمله‌ی انتحاری به پولیس در شمال غرب پاکستان و کشتن یکی از مقامات را به عهده گرفت.

«جماعت‌الاحرار» اخیراً جدایی خود از تحریک طالبان پاکستان و مولانا فضل الله، رهبری این گروه را اعلام کرده و متعهد شده تا به عمر خالد خراسانی، فرمانده جدید خود وفادار بمانند.

احسان‌الله احسان، سخنگوی این گروه گفت: ما مسوولیت این حمله را به عهده می‌گیریم و می‌خواهیم صریحاً اعلام کنیم که در آینده نیز به حملات خود ادامه می‌دهیم.

وی افزود: در این درگیری هیچ شبه‌نظامی کشته نشده و آن‌ها در امنیت کامل به پایگاهی امن بازگشته‌اند.



ارتش پاکستان روز سه شنبه اعلام کرد، گروهی از شبه‌نظامیان از افغانستان به یکی از پست‌های نظامی این کشور حمله کرده و در تیراندازی صورت گرفته ۱۱ شبه‌نظامی و سه سرباز پاکستانی کشته شدند.

به گزارش خبرگزاری آسوشیندپرس، ارتش پاکستان در بیانیه‌ای گفت: گروهی از تروریست‌ها از افغانستان امروز به یکی از پست‌های نظامی پاکستان در منطقه قبیله‌نشین وزیرستان شمالی حمله کردند.

ارتش پاکستان از ۱۵ جون سال جاری میلادی عملیات نظامی گسترده‌ی را علیه

بخش نخست

پول مهم تر است یا زمان؟



ظرفیت انسان برای عشق ورزیدن محدود است. کیفیت و ظرفیت عشقی که می‌توانیم نصیب فرزندان، همسر و خانواده‌مان کنیم، تا حد زیادی به ۲۰ ساعت دیگری ارتباط دارد که صرف امور خانواده‌گی نمی‌شود. آن ۲۰ ساعت سرمایه‌گذاری ما هستند برای بهتر بودن در چند ساعت معدود. بنابراین اگر بار دیگر به مسأله نگاه کنیم، در خواهیم یافت صرف کردن یکی دو ساعت باقی‌مانده‌مان به امور کاری، به تماس‌های مهم و سر زدن به ایمیل‌مان، چه قدر تناقض‌آمیز است

فرقی نمی‌کند که ما چه قدر در خصوص مفهوم زمان حریص باشیم و چه قدر برای بهره‌وری بیشتر از زمان‌مان تلاش کنیم؛ واقعیتی که همه باید به خاطر داشته باشند این است که هر شخص در طول روز تنها ۲۴ ساعت زمان دارد.

انسان‌ها از تولید زمان بیشتر ناتوان‌اند و زمانی که یک لحظه می‌گذرد، دیگر هرگز نمی‌توانیم آن را باز یابیم. اگر از ۲۴ ساعت وقت روزانه‌مان حدود ۱۷ ساعت آن صرف کار کردن، خواب و رفت و آمد شود، ما هنوز ۷ ساعت دیگر داریم. بیشتر ما این هفت ساعت را به طریقی مشابه می‌گذرانیم، یک ساعت ورزش می‌کنیم، یک ساعت غذا می‌خوریم، یکی دو ساعتی لم می‌دهیم و تلویزیون تماشا می‌کنیم یا کتاب می‌خوانیم. اگر دقت کنیم، در خواهیم یافت فقط یکی دو ساعت باقی مانده است، این زمانی است که ما احتمالاً صرف کسانی می‌کنیم که دوست‌شان داریم، با آن‌ها سخن می‌گوییم و قدم می‌زنیم، به تکالیف فرزندان‌مان رسیده‌گی می‌کنیم و با آن‌ها بازی می‌کنیم.

این مسأله‌ی عجیب است که ما تنها یکی دو ساعت وقت داریم تا صرف کسانی کنیم که احتمالاً تنها انگیزه‌ ما برای زنده‌گی، کار کردن و سالم ماندن هستند.

به نظر می‌رسد که ظرفیت انسان برای عشق ورزیدن محدود است. کیفیت و ظرفیت عشقی که می‌توانیم نصیب فرزندان، همسر و خانواده‌مان کنیم، تا حد زیادی به ۲۰ ساعت دیگری ارتباط دارد که صرف امور خانواده‌گی نمی‌شود. آن ۲۰ ساعت سرمایه‌گذاری ما هستند برای بهتر بودن در چند ساعت معدود. بنابراین اگر بار دیگر به مسأله نگاه کنیم، در خواهیم یافت صرف کردن یکی دو ساعت باقی‌مانده‌مان به امور کاری، به تماس‌های مهم و سر زدن به ایمیل‌مان، چه قدر تناقض‌آمیز است.

مسائل اقتصادی اغلب سرشتی پیچیده دارند، اما وقتی که این مسائل به امور خانواده‌گی گره می‌خورند، باز هم پیچیده‌تر می‌شوند. شما کار می‌کنید تا سعادت فرزندان و همسران را تضمین کنید، اما اغلب از این نکته غفلت می‌کنید که زمان ارزشمندتر از هر پولی است و اگر نتوانید یک یا دو ساعت‌تان را با کیفیتی عالی در اختیار فرزندان‌تان بگذارید، گویی خودتان را از ثمره کار روزانه ۷-۸ ساعته محروم کرده‌اید.

کار کردن به صورت دایم هم‌چون یک سرمایه‌گذاری می‌ماند، ما انتخاب می‌کنیم تا زمان‌مان را در جهت عشق‌مان به نزدیکان‌مان سرمایه‌گذاری کنیم. در قبال این سرمایه‌گذاری ما توقع داریم دو چیز برداشت کنیم: یک- ثروتی که رفاه آن‌ها را تأمین کند؛ دو- زمانی که با تجمع ثروت ما قادر هستیم بخیریم تا بتوانیم زمان بیشتری با آن‌ها بگذرانیم.

بخش پنجم

پسامدرنیسم و فلسفه تاریخ

نویسنده: بیورلی سوسگیت

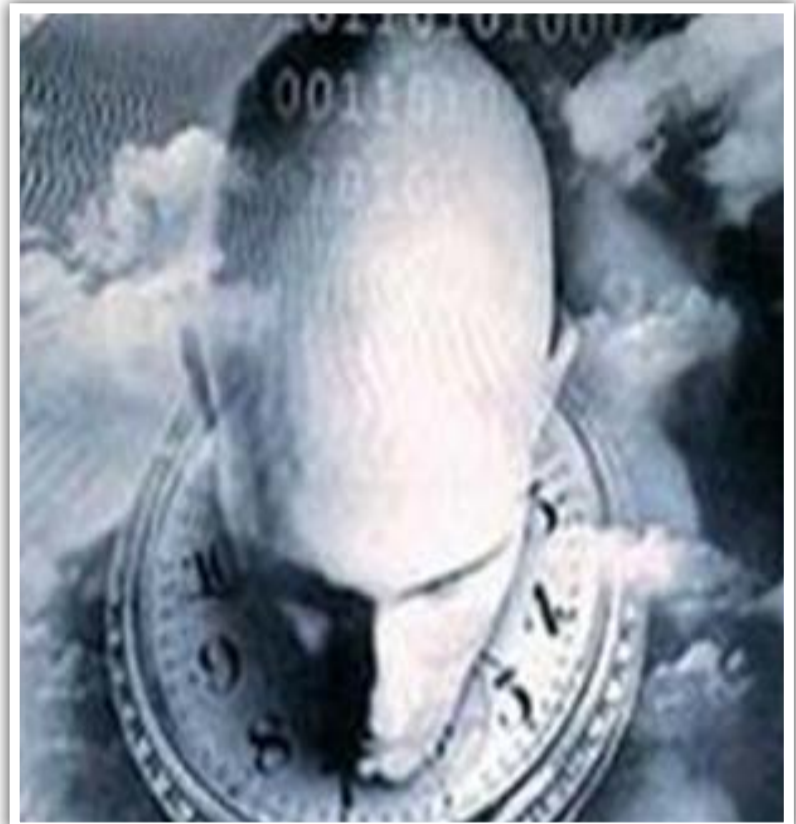
برگردان: امین درستی

سنتی تاریخ‌نگاری به چشم می‌خورد، به عنوان مثال:

M. C. Lemon (۲۰۰۳), C. Behan McCullagh, (۲۰۰۴), and (Aviezer Tucker ۲۰۰۴).

درحالی‌که هر کدام از این افراد در این موضوع جایگاه و نظر خاص خود را دارند، می‌توانیم در پاسخ‌های آن‌ها به پسامدرنیسم ویژه‌گی‌های مشترکی بیابیم، مهم‌ترین آن‌ها این فرضیه پایدار است که اکتساب دانش تاریخ‌نگارانه هنوز هم ممکن است، بنابراین ایده‌ی از حقیقت هم‌چنان به حیات خود ادامه می‌دهد، کار و وظیفه تاریخ‌دانان نیز تلاش به سوی همین حقیقت است؛ ابزارهای دستیابی

در درون خود تاریخ‌نگاری نیز، پذیرش شیوه‌های دیگر بازنمایی افزایش یافته است. روایت‌های تک‌گویانه از هیچ کجا - همان عبارات تک‌صدایی، از مکانی ظاهراً ممتاز و مسلط که بازنمایی‌هایی که حقیقی و بی‌طرفانه انگاشته می‌شوند را تضمین می‌کنند - با توضیحات آشکارا سوژکتیو، که در آن‌ها مؤلفان صریحاً مواضع و پیش‌داوری‌های خود را اعلام کرده‌اند، تکمیل شده است. فرم‌های گفت‌وگویی و شاعرانه تاریخ‌نگاری، به عنوان گزینه مناسب‌تری برای تاریخ‌نگاری‌هایی که



به چنین دانش حقیقی و درستی، اساساً علمی، تجربی و عقلانی یا منطقی‌ست و ادعا می‌شود که اعتبار آن به‌آسانی با مراجعه به فهم عمومی (عقل عمومی) و توافق حرفه‌یی تأیید می‌شود. بنابراین مدل سنتی تاریخ‌نگاری هم‌چنان سالم و دست‌نخورده باقی می‌ماند؛ و البته همراه با آن جست‌وجوی حقیقت، برای خاطر خود آن، حقیقتی که هم به عنوان مطلق اخلاقی و هم هدفی دانشگاهی پای‌برجا مانده.

این‌گونه دفاع‌ها از تاریخ‌نگاری سنتی نوگرا، بر پایه‌های زیر استوار است: ارزیابی خوش‌بینانه توانایی تاریخ‌دانان در به‌کارگیری عقلانیت‌شان به منظور یافتن معنای روشن و بی‌ابهام، درک نیت نویسنده، کشف و در صورت نیاز رفع تمایلات یک‌طرفه و ارزیابی اهمیت و بدین ترتیب دست‌یابی به حقیقت مورد توافق همه. فیلسوفان تاریخ‌نگاری محافظه‌کار، اساساً تجربه‌گرایانه و عمل‌گرایانه، در تلاش‌های خیرخواهانه خود می‌کوشند برای موضوعی که در پایداری تمدن غربی نقشی مرکزی دارد و البته به‌طور جدی با نقدهای نظری پسامدرنیسم به چالش کشیده شده است، بنیادهای نظری فراهم آورند.

بحران دنباله‌دار ناسازگاری بنابراین آشکار است که نظریه‌پردازان

تعلقات متقابل، از جمله بیان احساسات و عواطف را به رسمیت می‌شناسند، پذیرفته شده‌اند؛ و اتوبیوگرافی‌های شخصی به‌خوبی با تاریخ‌نگاری‌های ملی و عمومی درهم آمیخته شده‌اند. علاوه بر این، آگاهی فزاینده نسبت به ناکارآمدی بازنمایی‌های زبانی و به نوعی نومی‌ی نسبت به آن، موجب جست‌وجوی فرم‌های غیر نوشتاری، به ویژه فلم شده است. اگرچه فلم هنوز اغلب برای بیان روایت‌های ساده به کار می‌رود، اما از آن‌جایی که، در مقایسه با توصیفات لغوی، توانایی بهتری برای بیان تجربیات پیچیده و مبهم دارد، از سوی تاریخ‌دانانی همچون رُبرت رُزنستون (Robert Rosenstone) روزبه‌روز بیش‌تر به کار گرفته می‌شود. در وضعیت اختلاط کلاژگونه (collage) پسامدرنیسم، فلم برای محو کردن مقولات زمانی و مکانی به کار رفته است، تا دست‌کم مرزهای بین گذشته، حال و آینده را که پیش‌تر به‌سختی از آن‌ها محافظت می‌شد، فرسوده ساخته و درهم تند.

درحالی‌که تاریخ‌دانان پاسخ‌های دوگانه‌یی به پسامدرنیسم داده‌اند، فیلسوفان تاریخ‌نگاری نیز همچون آن‌ها در برابر پسامدرنیسم دوسوگرایی (دوگانه‌گی) نشان داده‌اند؛ البته هنوز در قرن ۲۱ هم، دفاعیه‌های نظری محکمی از مدل‌های

بخش دوم و پایانی

نویسنده: احمد رضا قایخلو

نمونه‌های فراوانی در مثنوی هست که نشان‌دهنده اعتقاد مولانا به «وحدت ضدین» است. از این جهت هگل و مولانا قابل مقایسه‌اند، اما همین جهت نمایشگر این است که مفاهیم «مولانا» و «هگل» از «ضد» آن یکسان نیستند. منظور مولانا از «ضدین» مفاهیم نفی - Negation - و حصر یا تحدید - Limitation - و تعیین - Determination - را در بر می‌گیرد. منظور هگل از ضدین علاوه بر همه این‌ها بر پایه بالقوه و بالفعل «ارسطو» است که در دستگاه فلسفی او به صورت وجود «فی نفسه» و «لنفسه» درآمده است. این است که مولانا از این‌گونه اضداد برای شناخت استمداد می‌جوید و همین است که فلسفه او را پا در هوا نگه می‌دارد.

پس به ضد نور، دانستی تو نور
ضد، ضد را می‌نماید در صدور
پس نهانها به ضد پیدا شود
چون که حق را نیست ضد، پنهان بود
نور حق را نیست ضدی در وجود
تا به ضد او را توان پیدا نمود

از این دیدگاه، خدا دست‌نیافتنی است. ادیان به او آموخته‌اند که خدا از همه مقولات فارغ است. چرا که مقولات دست‌پرورده ذهن آدمی‌اند. خدا نباید مقوله‌های کمیت، کیفیت، مکان، زمان و غیره را بپذیرد. این فراغت، آزادی مطلق است. از نظرگاه فلسفی، «نیستی» همین است. پس مولانا به هنگام ستایشش می‌سراید: «نیستی، کاین هست هامان هست از اوست». به عبارت دیگر، او نتیجه می‌گیرد که «نیستی» تعیین‌کننده «هستی» است (رنگ از بیرنگ برمی‌خیزد) و از سوی دیگر، نیستی به وسیله هستی محدود می‌شود (بیرنگی اسیر رنگ می‌شود). غایت هر چیز که هست، رسیدن به آزادی، یعنی، شکستن این محدوده است، و به این دلیل است که هر چیز در حال بازگشت به خدا (نیستی) است. پس، مطلق که دست‌نیافتنی به نظر می‌رسید و ناشناختنی می‌نمود، دست‌یافتنی و شناختنی است. انسان از خدا پدید می‌آید و دوباره به خدا می‌پیوندد. پس، انسان بالقوه خداست. این‌جاست که می‌توان تعبیری برای «انالحق» یافت. آزادی مطلق در این‌جاست. مولانا گام به گام پیش می‌آید اما نمی‌تواند به آموخته‌های اولیه‌اش پشت کند. دنیای مولوی، دنیای اسرارآمیز است. دنیایی که همه چیزها، هم او نیستند و هم او هستند. دنیایی که درختانش:

با زبان سبز و با دست دراز
از ضمیر خاک می‌گویند راز
شیوه بیان

مثنوی معنوی، سرشار از داستان‌های دل‌چسب است. هر کدام از این داستان‌ها به گونه‌ی، فلسفه مولوی را در خود هضم کرده است. او هر جا که لازم بداند، حرفش را می‌زند. حرف در حرف و داستان در داستان می‌آورد و بدین لحاظ خواندن مثنوی، فکری جمع و جور می‌خواهد. این کار برای مولانا آزادی بوده است. در انتخاب واژه‌ها شک نمی‌کند. با استعاره جزء، کل را به اثبات می‌رساند. گاهی دو چیز ناهممانند را یگانه می‌خواند. گاهی در این کار شرم را به یکسو می‌نهد. مثلاً داستان آن لوطی را که مفعولی را به خانه می‌برد و می‌بیند کارد بسته است، می‌پرسد برای چیست و مفعول پاسخ می‌دهد برای این که کسی نگاه بد به من نکند. مولانا نتیجه می‌گیرد که اگر مفعول شهامت داشت، می‌توانست کارد را به کار ببرد. این است طنز و نیشخند او. مثلاً شیری که گاو را خورد و بر جای آن نشست و... نیشخند مولانا، آزادی اوست. او آزادی را در مفهومی وسیع‌تر برای همه می‌خواهد. راه تعیین نمی‌کند، اگرچه نتیجه‌گیری می‌کند و این کار بایسته اوست.

کار بی‌چون را که کیفیت نهاد؟
آنچه گفتیم این ضرورت می‌دهد.

او از زبان همه شخصیت‌های داستان‌هایش حرف می‌زند. او از زبان همه حرف می‌زند و به پیشروترین روشن‌فکران عصر خویش متعلق است:

کم کش ایشان را که کشتن سود نیست
دین ندارد بوی، مشک و عود نیست

او می‌خواهد با ساده‌ترین صورت ممکن سخن بگوید. اما عصر او، عصر خاموشی است، عصر روشن‌فکران درون - گم شده، عصر رازآلود و اسرارآمیز:

گفت پیغمبر که هر که سر نهفت
زود گردد با مراد خویش جفت

مولانا؟

شوریده‌ی پریش



دانه چون اندر زمین پنهان شود

سر او سرسبزی بستان شود
با این همه، او به قول «الکذب ربه القلوب» ۱۰ معتقد است «قول دروغین قلب را دچار شک و تردید می‌کند». حتی یک فیلسوف پندارگرا هم می‌تواند در خویشتن بنشیند. چرا که فیلسوف است و باید «زنده» بماند. پس به زودی نتیجه می‌گیرد که عاشق نمی‌تواند عشقش را پنهان نگاه بدارد:

ای داده خاموشانه ای ما را تو از پیمانہ ای
هر لحظه تو افسانه ای در خامشی شد نعره زن
مولانا بی‌باک است. ترس، مغلوب منطق اوست. ایمان او به فردا ستایش‌آمیز است:

آن که کشتستم پی مادون من
می نداند که نخسبد خون من
با این همه، ترس بالای سر او می‌چرخد، عنکبوت آن‌جاست، با تارهای تنیده و دهان باز:
بس ستاره آتش از آهن جهید
و آن دل سوزیده پذیرفت و کشید
لیک در ظلمت یکی دزدی نهان
می‌نهد انگشت بر استاره‌گان
می‌کشد استاره‌گان را یک به یک
تا که نفروزد چراغی در فلک

پیرامون و پایگاه مولانا

نابغه‌ی که از ۲۴ سالگی به استادی درآمد و تا ۳۸ سالگی به تدریس پرداخت، با «شمس» آشنا شد و با خود بیگانه، که نه، در حقیقت با خویش آشنا شد، و بر قیل و قال و دفتر و دستک مدرسه‌ی پای گذاشت، شوریده شد. اما هنوز ریشه‌های «تصوف» در اوست، و ریشه‌های او در تصوف. او به سوی عرفان می‌آید و ناکام می‌ماند. این است که در سراسر کتاب او، مثنوی معنوی، یک نوشخند دیده نمی‌شود، که سراسر نیشخند است. مردم ملای سابق را که اینک «پریشان‌گوی» است، استهزا می‌کنند. او مردم را به چشم شاگردان

و آن‌گاه از ذهن‌گرایی بیرون می‌آید و به سوی مردم روی می‌آورد.

با سگان بگذار این مردار را
خرد بشکن شیشه پندار را

او شوریده است. به همه نیشخند می‌زند. چون او روشن‌فکری است که هیچ‌جا پا سفت نکرده است. او از قشر روحانیان بود، از آن‌ها گسسته است، به کرامات دل بسته که بنیان علمی ندارد. ز خویشتن به خویش سفر کرده و به هیچ چیز «نرسیده» یا به «هیچ چیز» رسیده است. گونه‌ی از خود بی‌خود شدن، گونه‌ی ناهشیاری، او را دل‌خوش می‌دارد. نابغه‌ی که می‌توانست به اندیشه‌ها جهت دهد، در خود نشسته است. هیچ چیز برای او همیشه ارجمند نیست. او نگران است. شهیدی مانند «حلاج» را می‌شناسد، گریز را نیز می‌داند. حتا صوفیان هم از زخم زبان او برکنار نیستند:

صوفیان طبل خوار لقمه جو

سگ‌دلان همچو گربه روی شو

مولانا همواره مخاطبی دارد. گاه مخاطب او مردم‌اند، گاه مدعیان و گاه پاره بی از روح ناشناخته او که «مطلق» است:

آن چه گفتم، جمله‌گی احوال توست

خو نگفتم صد یکی ز آن‌ها درست

گر ز تو گویند وحشت زایدت

ور ز دیگر آن فسانه آیدت

مولانا معترض است. فریاد او، فریاد اعتراض است. او مانند حافظ، «زند» نیست که «جنگ هفتاد و دو ملت» را عذر بنهد. مولوی پیش از آن‌که هنرمند باشد، یک قاضی منتقد است. در داستان «پادشاه جهودان» دوازده عیب بر فقه اسلامی می‌گیرد. دوازده اصل متناقض را نشانه می‌رود و جالب این‌که سرانجام همه این‌ها را می‌خواهد در وحدت و اتحاد حل کند. اما ناگفته می‌گذارد و دوباره همچون سوفسطاییان می‌شود. وقتی که نسبت به هر چیز شک می‌کند، می‌تواند مانند کانت «فرمان ایست» بدهد، می‌تواند همچون حافظ پدیده‌ها را «هیچ در هیچ» بنامد یا چون خیام از پوچی سخن بگوید. اما در مورد مولانا، قضیه فرق می‌کند. وقتی که همه چیز به هم می‌ریزد، عشق می‌آید و زنده‌گی نجات می‌یابد. تولد دیگر باره‌اش چنین است. باز او شوریده‌ی است که باید شاعر «دیوان شمس» باشد. او هیچ‌گاه آرام ننشسته است. اما مفهوم عشق برای او، گاه «آزادی» و گاه «رهایی» است. این است که او زیر بامی زنده‌گی می‌کند «که هر لحظه در آن بیم فرو ریختن است»:

صد هزاران بار بیریدم امید

از که؟ از شمس، این ز من باور کنید

شما می‌توانید او را عارف یا صوفی بنامید. چرا که ریشه‌های این هر دو در اندیشه اوست. او انسانی است که بر کلیه دانش‌های عصر خود تکیه داشته. حتا افسانه‌ها هم جزو معتقدات اوست. عشق او، عشق به انسان است و در تحلیل نهایی، مولانا یک انسان‌دوست است. گاه افراطش سبب می‌شود که او را «انسان‌پرست» بنامیم. علاقه او به «شمس تبریزی» نه به‌خاطر کشش جنسی است و نه زیباپرستی یا چیزی شبیه این‌ها. شمس تبریزی، نماد انسانیت است. کسی که نماینده تمام خصال برگزیده انسانی باشد، خدای مولوی است. به‌علاوه تنها شمس تبریز معبود مولانا نیست، او چندین دوست داشته که به‌خاطر آن‌ها زنده بوده است. او ارزش‌های کل انسانی را در چند فرد خلاصه می‌کند و به عبادت‌شان می‌پردازد. این کار از جهتی پسندیده و از جهت دیگر ناپسند است. زیرا کسی که می‌توانست مانند منصور حلاج یا سهروردی «صافی» باشد، «صوفی» ماند و مرد.

پی‌نوشت:

- ۱- دفتر اول ص ۱۴۲
- ۲- دفتر ششم ص ۱۲
- ۳- صفحات ۵۸ و ۵۹ دفتر دوم
- ۴- دفتر سوم ص ۹۵
- ۵- از نظر مولانا مفاهیم «جبری» و «قدری» یکسان است.
- ۶- دفتر دوم ص ۱۶۶
- ۷- دفتر اول ص ۱۸۳
- ۸- دفتر دوم ص ۱۵۷
- ۹- دفتر اول ص ۷۱
- ۱۰- حدیث نبوی که از امام حسن نقل شده است و جای جای در مثنوی آورده می‌شود.
- ۱۱- دفتر اول ص ۱۴۶
- ۱۲- دفتر اول ص ۸۰
- ۱۳- دفتر اول ص ۸۲
- ۱۴- دفتر اول ص ۸۵
- ۱۵- دفتر دوم ص ۲۰

کند ذهن می‌نگرد، ترحم می‌کند، و ترحم، تحقیر است. این‌جا مولانا بالا می‌رود بدون این‌که پیش رفته باشد. او می‌رود که روشن‌فکری منفرد و بیچاره شود. راهنمایی‌اش چنین است:

ای خران کور این سو دام‌هاست

در کمین، این سوی خون‌آشام‌هاست

و ترحمش این چنین تو را وقتی که حضرت صالح نفرین می‌کند و خدا بر مردم عذاب می‌فرستد، صالح پیامبر، هم از آن‌گونه که ناسزا می‌گوید، دل‌سوزی می‌کند:

صالح آن بشنید و ناله ساز کرد
نوحه بر نوحه‌گران آغاز کرد
رو به خود کرد و بگفت ای نوحه‌گر
نوحه‌ات را می‌نیزند این نفر
باز اندر چشم دل او گریه یافت
رحمت بی‌علتی بر وی بتافت
قطره می‌بارید و حیران گشته بود
قطره بی‌علت از دریای جود
عقل می‌گفتش که این گریه ز چیست
برچنان افسوسیان باید گریست
بر چه می‌گریی؟ بگو بر فعل‌شان
بر سپاه کینه بدنعل‌شان
بر دل تاریک پرزنگارشان
بر زبان زهر همچون مارشان
بر دم و دندان سگ‌سارانه‌شان
بر دهان و چشم گزدم خانه‌شان
دست‌شان کز پای‌شان کز چشم کز
مهرشان کز، صلح‌شان کز خشم کز
و یا در جای دیگر:
ظلمت چه، به ز ظلمت‌های خلق
سر نبرد آن‌کس که گیرد پای خلق
اما خود پاسخ خویش را داده است:
ای بسا ظلمی که بینی در کسان
خوی تو باشد در ایشان ای فلان

آرامگاه شکوری بخارایی، ناجی زبان

فارسی در تاجیکستان رونمایی شد



زبان و ادب فارسی در تاجیکستان کوشیده و سالها به عنوان عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی جمهوری اسلامی ایران خدمات شایانی کرد و مفتخر به عنوان چهره ماندگار در ایران اسلامی شده است.

وی گفت: ایشان علاوه بر آثار بسیار و ارزشمند مکتوب در قالب کتاب و مقاله شاگردان زیادی تربیت کرده اند، که در همه زمینه های فرهنگی و ادبی تاجیکستان و ایران کار و فعالیت داشته اند.

وی تصریح کرد: استاد شکوری، کتب شعرا و نویسندگان و علمای تاجیک را برای ایرانیان با همکاری رایزنی این کشور در دوشنبه به خط فارسی تهیه و برگردان و به کشور همزبان خود انتقال می داد و در کتب شعرا و ادبای ایرانی را نیز به خط سریلیک برای تاجیکان تهیه می کرد.

وی افزود: مرحوم شکوری از شخصیت های معروف و توانای تاجیک همیشه ترغیب گر رواج خط فارسی به جای خط سریلیک در تاجیکستان بود.

استاد محمدجان شکوری سال ۱۹۲۶ در بخارا در خاندان صدر ضیا متفکر و دانشمند بزرگ تاجیک چشم به جهان گشود و دو سال پیش در سن ۸۷ سالگی چشم از جهان فرو بست.

استاد شکوری بیش از ۵۰۰ مقاله در زمینه های مختلف علمی نوشت که اکثر آنها به زبانهای روسی در روسیه و فارسی در ایران و افغانستان و به خط سریلیک در تاجیکستان به طبع رسیدند.

او در کتابی با عنوان «خراسان است اینجا» پس از ۸۰ سال سلطه شوروی و سانسور اندیشه های خودآگاهانه، برای اولین بار تاجیکستان را بخشی از سرزمین بزرگ خراسان خوانده است.

محمدجان شکوری یکی از پیشوایان جنبش هویت خواهی تاجیکستان در اواخر عهد شوروی بود که در سال ۱۹۸۹ به رسمی شدن زبان فارسی تاجیکی در این جمهوری سابق شوروی انچامید.

در آستانه دومین سالروز رحلت استاد محمدجان شکوری بخارایی، آرامگاه این ابرمرد فرهنگ و ادب و ناجی زبان فارسی در تاجیکستان، روز سه شنبه در آرامگاه مشاهیر تاجیکستان رونمایی شد.

محمدجان شکوری که دو سال پیش در سن ۸۷ سالگی درگذشت از سال ۱۹۹۶ تا پایان عمرش عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی در تهران بود و در سال ۲۰۰۵ او به عنوان «چهره ماندگار» در ایران برگزیده شد.

طراحی آرامگاه این شخصیت فرهنگی را که با الهام از معماری خراسان بزرگ انجام گرفته، نوه استاد «آیت الله شکوری بخارایی» انجام داده و کارهای ساختمانی این بنا که از آن بوی خراسان بزرگ و بخارای شریف به مشام می رسد زیر نظر و با همت فرزند استاد «رستم شکوری بخارایی» و جمعی از شاگردانش و مساعدت مالی بیمارستان ایرانی ابن سینا به پایان رسیده است.

خانم دل افروز اکرامی از شعرای بنام فرهنگ و ادب تاجیکستان و همسر محمدجان شکوری گفت که این دانشمند فقید در برقراری روابط میان ایران و تاجیکستان نقش بارزی ایفا کرد.

وی در این مراسم که با حضور فرزندان و نوه ها، جمعی از فرهیختگان تاجیک و برخی از اعضای سفارت ایران برگزار شد، افزود: استاد محمدجان شکوری بخارایی، با تلاش وافر در حفظ

دیدار فرمانده جدید نیروهای ایساف با رئیس ارتش پاکستان



جان کمپبل فرمانده جدید نیروهای ایساف و راحیل شریف رییس ستاد ارتش پاکستان در مورد هماهنگی های مرزی میان افغانستان و پاکستان با یکدیگر دیدار و گفت و گو کردند.

در این دیدار دو طرف در مورد مسائل مربوط به منافع متقابل از جمله پیشرفت در عملیات های نظامی در وزیرستان شمالی، اوضاع کنونی در افغانستان و هماهنگی ها در امتداد مرز افغانستان و پاکستان بحث و گفت و گو کردند.

گفتنی است که این اولین دیدار جان

کشته شدن سه نظامی...

بوده است و این حمله در یکی از جاده هایی که به میدان هوایی کابل منتهی می گردد، رخ داده است. گروه طالبان از طریق توییت مسوولیت این حمله را به عهده گرفته اند.

گفته می شود که حمله روز گذشته یکی از شدیدترین حملات در چند هفته اخیر در کابل بوده است. این درحالی است که پس از ماه ها تنش های انتخاباتی در افغانستان، گفته شده است که ساعاتی پیش از این حادثه هردو نامزد انتخابات این کشور احتمالاً به نتایجی رسیده بودند و سخنگوی حامد کرزی نیز از یک «پیشرفت شگرف» در این زمینه سخن گفته است.

غیر نظامی افغان زخمی گردیده است. تا اکنون هویت سربازان کشته شده که متعلق به کدام کشور می باشند، روشن نیست.

این حمله در نزدیکی در ورودی سفارت ایالات متحده که شدیداً تحت نظارت می باشد رخ داده است. همچنان از شدت انفجار مذکور ساختمان های اطراف سفارت نیز خسارت دیده اند و از سفارت ایالات متحده نیز صدای آژیرها شنیده می شد.

مقامات امنیتی نیز این حمله را تأیید کرده است. یک مقام پولیس افغانستان به آژانس خبری فرانسه «فرانس پرس» گفت: «هدف این حمله نیروهای خارجی



وزیر

زیدان: بنزما به روند گل زنی باز می گردد



هافبک الجزایری تبار پیشین تیم ملی فرانسه درباره ویژگی های خود به عنوان سرمربی گفت: اگر من سرمربی شوم قطعاً مربی جاه طلبی خواهم بود و تیمی هجومی را روانه میدان خواهم کرد. فوتبال تیم من ساده خواهد بود؛ یک فوتبال ساده و روان.

زیدان درباره شرایط کریم بنزما در این تیم نیز گفت: بنزما در بازی های اخیر خود در رئال گل زده است. این اتفاق برای هر مهاجمی می تواند رخ دهد. بنزما خود کاملاً آگاه هست که چه انتظاراتی از او برای گل زدن وجود دارد. مطمئن هستم او به زودی گل می زند و ما دیگر این بحث را ادامه نمی دهیم. همه از باشگاهی مثل رئال مادرید انتظار موفقیت دارند. وقتی در مادرید هستید، این چیزها را به خوبی حس می کنید، زیرا همه انتظار دارند که در همه مسابقات پیروز شوید و تنها پیروزی ارزش دارد. گل زدن یک بازیکن تا زمانی که تیمت به پیروزی می رسد مهم نیست. بنزما بازیکن ساکتی است و زیاد صحبت نمی کند و تمام تمرکزش را معطوف به پیشرفت در فوتبال کرده است. من و بنزما از خیلی جهات شبیه هم هستیم. من نیز وقتی که فوتبالیست بودم تمام تمرکز من روی بازی بود و در کنار آن از بودن در کنار خانواده لذت می بردم. کاری که بنزما نیز آن را انجام می دهد.

زیزو در پایان درباره حضور بازیکنان جوان در رئال مادرید گفت: برای مربیان و باشگاه رئال مادرید خیلی مهم است که بازیکنان جوانی که در این تیم حضور دارند بتوانند به پیشرفت خود ادامه دهند. ما در ترکیب مان بازیکنانی همچون خسه، واران، ایسکو و کارواخال را داشتیم که در فصل قبل عملکرد خوبی از خود نشان دادند و آینده آنها در رئال مادرید شکل خواهد گرفت. باشگاه برنامه منظمی برای پیشرفت بازیکنان جوان خود دارد.

زین الدین زیدان از هموطنش در تیم رئال مادرید حمایت کرد. او همچنین عنوان کرد می خواهد در آینده به مربی بزرگی تبدیل شود.

زین الدین زیدان که هدایت تیم دوم رئال مادرید را بر عهده گرفته، از این انتخاب راضی است. او همچنین می گوید قصد دارد در آینده هدایت تیم های بزرگتری را قبول کند.

زین الدین زیدان در گفت و گو با نشریه اکسپ فرانسه عنوان کرد: دوست دارم دوباره هیجان فوتبال را از نزدیک لمس کنم. پس از این که سالها به عنوان بازیکن در دنیای فوتبال حضور داشتم، احساس کردم نیاز است یک بار دیگر در کانون این ورزش قرار بگیرم و بار دیگر فشارها و هیجان دنیای فوتبال را از نزدیک لمس کنم. البته از این که این چند سال وارد دنیای مربیگری نشدم، احساس پشیمانی نمی کنم. فصل گذشته دستیار آنچلوتی در رئال بودم که خیلی به من کمک کرد و در حال حاضر هدایت تیم دوم رئال را بر عهده دارم. این دو تجربه خیلی می تواند به آینده مربیگری من کمک کند.

جرارد:

به دنبال قهرمانی در اروپا هستیم



رونی هر وقت برای تیم ملی انگلیس به میدان می رود با قدرت بازی می کند و هیچگاه از زیر بار مسئولیت فرار نمی کند. قبل از بازی، او یکی از پر سر و صدا ترین بازیکنان تیم است. او از صحبت کردن و حرف زدن با دیگران نمی ترسد و انتظار خود از بازیکنان را به راحتی می گوید. علاوه بر آن رونی کاپیتان تیم باشگاهی خود نیز است و این خیلی مهم است. همه چیز او کامل بوده است که شخصی مانند لویس فان خال او را به عنوان کاپیتان تیم انتخاب کرده است. فان خال این تصمیم را در طول پنج یا شش هفته گرفته است در حالی که هاجسون حداقل دو سال است که بازی های رونی را تماشا می کند و به نظر من باید هر چه زودتر رونی را به عنوان کاپیتان تیم ملی انگلیس انتخاب می کرد.

جرارد در پایان درباره حضور در رقابت های لیگ قهرمانان اروپا گفت: پس از ۵ سال غیبت بار دیگر در لیگ قهرمانان هستیم و از این موضوع خیلی خوشحالم. به تیم های بزرگ هشدار می دهم که لیورپول این فصل اهداف بزرگی در سر دارد. به دنبال قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا هستیم و می خواهیم تیم های بزرگ را با عملکرد خوبمان شکست زده کنیم.

کاپیتان لیورپول که پس از جام جهانی برزیل از تیم ملی انگلیس خداحافظی کرد، در گفت و گو با روزنامه دلی میل درباره مسائل مختلفی به صحبت پرداخت.

استیون جرارد با تمجید از لویس سوارس که این فصل در بارسولونا توپ خواهد زد، گفت، سوارس بهترین بازیکنی است که کنار او بازی کرده: «او فصل قبل گل های مهم و حیاتی زیادی را برای ما به ثمر رساند. سوارس مهاجم تاثیرگذاری برای لیورپول است. از نظر من او الان در اوج آمادگی به سر می برد و شایسته است که او را به عنوان بهترین بازیکن جهان انتخاب کنیم. مطمئن هستم سوارس پس از پایان دوران محرومیتش بازگشت خوبی به فوتبال خواهد داشت. مسی در این فصل چند بار آسیب دیده است. کریستیانو رونالدو هم چند بازی را به خاطر آسیب دیدگی از دست داد. بنابراین سوارس بهترین بازیکن است. او از غیبت مسی و رونالدو نهایت استفاده را برد و نشان داد که چه بازیکن توانایی است. اتفاقی را که در جام جهانی برای او رخ داد، باید فراموش کرد. این اتفاق برای هر بازیکنی تلخ است.

جرارد با حمایت از وین رونی که به عنوان کاپیتان تیم ملی انگلیس انتخاب شده است، گفت: پس از بازنگشتگی از تیم ملی انگلیس خیلی به این موضوع فکر کردم که چه کسی کاپیتان انگلیس شود و فردی بهتر از رونی به ذهن من نرسید. روی هاجسون به رونی ایمان دارد. زمانی که مهاجم منچستر یونایتد تحت فشار بود، زمانی که حدس و گمانها در مورد جایگاه او در تیم ملی انگلیس به اوج خود رسیده بود، مربی او را رها نکرد و به او بازی داد و این احترام بزرگی است که مربی برای بازیکن خود قائل است.

جرارد با تمجید از وین رونی ادامه داد: رونی یک رهبر است.

مدیر مسؤل: نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
 nazari.paryani@yahoo.com
 ویراستار: روح الله یوسف زاده
 مدیر خبر: مجتبی امیری
 گروه نویسندگان: حلیمه حسینی، احمد عمران و کاوه جبران
 گزارشگران: ناجیه نوری، عرفان مومند و محمد هارون مجیدی
 برگ آرای: مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com

شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ - هرات: ۰۷۸۹۵۱۰۰۶۶

مسؤل توزیع: حبیب الله - ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸

نشانی: چهارراهی حصه دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچه پنجم

شماره گان: ۵۰۰۰

به جز «سخن ماندگار» مسؤلیت دیگر نوشته‌ها به نویسندگان بر می‌گردد.

Year 6 NO 1378 Wednesday 17 September 2014

DAILY

Mandegar

پروژه شهر جدید کابل

در محاصره استفاده جویی‌های اراکین دولتی



وکیل احساس

آوازه‌هایی مبنی بر افتتاح این پروژه به گوش می‌رسد. حتا شهرک‌های غیر قانونی از سوی ارگان‌های دولتی که مسوول تطبیق پروژه نیستند، مورد تأیید قرار گرفته و پروسه فروش نمرات غیر قانونی نیز مخفیانه جریان دارد. حین سر زدن به ساحات ده‌سبز و چندین رهنمای معاملات در محل، معلوم گردیده که بعضی از شهرک‌ها از سوی وزارت امور شهرسازی ویژه شده و آن‌ها به فروش نمرات اقدام کرده و می‌کنند. این در حالی است که مورد و اداره مستقل برای این پروژه وجود داشته و تمامی امور آن مطابق احکام و مقررات کشور باید از طرف این یگان‌ارگان مسوول طی مراحل گردد.

طی چند پرسش از مسوولین تطبیق پروژه در مورد مستقل انکشاف شهر جدید کابل، آن‌ها ذیلاً ابراز نمودند: «مطابق به استراتژی ماسترپلان شهر جدید کابل که از سوی مقام عالی ریاست‌جمهوری و شورای محترم وزیران تصویب گردیده است، فروش نمرات در ساحات تحت پروژه به‌طور کامل غیر قانونی است. در شهر جدید کابل نمره نه، بلکه خانه‌ها و آپارتمان‌ها عرضه خواهد گردید. قابل یادآوری است که در محدوده یک شهر پلان شده، ایجاد شهرک‌ها و متعاقباً تأیید آن از سوی ادارات دولتی خلاف معیارهای شهرسازی و قوانین نافذ کشور است. یکی از مشکلات عمده پروژه شهر جدید کابل عبارت از تداخل وظیفوی ارگان‌های دولتی در این پروژه است که این پروژه را برخلاف تمامی فرایندها، احکام و مصوبات مقام عالی ریاست‌جمهوری و شورای عالی وزیران به بن‌بست مواجه ساخته است.»

اما وزارت امور شهرسازی برخلاف معتقد است که آن‌ها به حیث رهبری سکتور شهرسازی در افغانستان، حق ویژه این‌گونه شهرک‌ها را دارند.

شایان ذکر است که این‌گونه مشکلات میان وزارت و شهرداری‌ها نیز وجود دارد. شهرداری کابل نیز از این‌گونه تداخل وظیفوی چندین‌بار به مقامات کشور مراجعه و شکایت کرده‌اند. این آشفته‌گی‌ها در ادارات دولتی و برخوردهای شخصی و استفاده جویی‌های اراکین بالاخص در ختم حکومت کنونی، باعث شده که اکثر پروژه‌های اقتصادی کشور با بن‌بست روبه‌رو شود و رکود اقتصادی در سطح مملکت رونما گردد.

شهر جدید کابل که یکی از بزرگ‌ترین ابتکارات افغانستان در دهه اخیر پس از سقوط رژیم طالبان می‌باشد، تقریباً دو و نیم چند شهر فعلی کابل مساحت دارد و در سطح منطقه و جهان، بزرگ‌ترین شهری است که تا کنون نقشه شده است. شهر جدید کابل که پایتخت جدید افغانستان در قرن بیست‌ویکم خواهد بود، برای نفوسی حداقل سه میلیون نفر طرح گردیده است.

پروژه شهر جدید کابل که حجم سرمایه‌گذاری در آن حداقل هشتاد میلیارد دالر امریکایی طی سی سال تخمین گردیده، در اوایل سال ۱۳۸۵ رسماً عرض اندام نمود و جهت پیشبرد بهتر امور پلان‌گذاری و تطبیق آن، مورد و اداره مستقل انکشاف شهر جدید کابل به‌وجود آمد. علت عمده عرض اندام نمودن این ساختار مستقل، وجود بروکراسی بیش از حد در وزارت‌خانه‌های دولتی پنداشته شده است؛ زیرا شهری که باید طی سی سال احداث گردد، نیاز مبرم به یک ساختار مستقل دارد که از چارچوب وزارت‌خانه‌های دولتی جدا باشد.

مسئلاً این پروژه از آن‌جا که در منطقه بی‌نظیر است و توقع می‌رود زمانی به مرکز تجارت و اقتصاد منطقه تبدیل شود، در معرض دست‌اندازی‌های خارجی و داخلی قرار دارد. اما پروژه شهر جدید کابل که مساحتی در حدود ۷۴۰ کیلومتر مربع را در مناطق ده‌سبز و باریک‌آب احتوا می‌کند، نظر غاصبین و مافیای زمین را - که نفوذ آن‌ها در میان ادارات دولتی چشم‌گیر است - نیز به خود جلب نموده است.

این پروژه قرار بود در اوایل سال ۱۳۹۲ از سوی رییس‌جمهوری اسلامی افغانستان افتتاح گردد، اما با تنش‌هایی که قرار گرفته‌های ارگان‌های امنیتی کاملاً سازمان‌یافته بوده‌اند، به بن‌بست مواجه شد و افتتاح آن به تعویق افتاد. عوامل به تعویق افتادن پروژه را می‌توان عدم اعتنای رهبری سیاسی کشور به این پروژه و عدم کارایی ادارات دولتی در راستای تکمیل نمودن خواست‌های قانونی مردم محل قلمداد نمود. اکنون که دوره حکومت آقای کرزی به پایان رسیده و چشم امید همه به نتیجه انتخابات و حکومت جدید است، بعضی از اراکین دولتی در پی بهره‌برداری‌های شخصی از این پروژه دست‌وپا را به حرکت درآورده‌اند. چنان‌که از چندین بدین‌سو

د کابل شاو خوا اندېښمنوونکي وسله وال



نا امنی ورو ورو کابل کلابندوي. دا مهال غزني، لوگر، میدان وردگ، پروان، کاپیسا بشیر، د لغمان او ننگرهار یوشمېر سیمې نا امنه دي او طالبانو په کې خپلو بریدونو او فعالیتونو ته زور ورکړی دی. کابل د پلازمېنې په توگه په شدت له دغو ولایتونو گواښل کېږي. همدا اوس کابل ته غځېدلې ټولې لارې نا امنه دي. وسله والو طالبانو د کندهار او هلمند له نا امنی وروسته کونښن کړی، چې ځان د کابل دروازو ته را ورسوي.

د طالبانو او د هغوی د پاکستانیو سلاکارانو د پلان له مخې باید وسله والو کابل ته خورا ډېر سر خوړي جوړ کړي وای، خو د افغان امنیتی ځواکونو د مقاومت او مېړنۍ جگړې سره تل وسله والو طالبانو ماتې خوړلې ده.

دمگړۍ هغه ډول چې د ملي دفاع وزیر هم ویلي، چې افغان امنیتی ځواکونو د ناتو له څه باندې ۱۵۰ زره ځواکونو پرته اوس په یوازې ځان د وسله والو پر وړاندې جنگېږي. خو بیا یې هم خپله وړتیا ښودلې ده.

د امنیتی ځواکونو د عصري او درنو وسلو او هوايي ځواک د نشتونو د ستونزو ترڅنگ یوه لویه ستونزه دا ده، چې تر ډېره دا ځواکونه په ټاکنیز کړکېچ کې ښکېل دي، که چېرې د ټاکنو پروسه نه وای او یا دومره غځېدلې نه وای؛ نو ښايې امنیتی ځواکونو وسله والو ته اجازه نه وای ورکړې، چې په دومره پراخه پیمانې خپل بریدونه وکړي. دمگړۍ په ۲۱ هېوادونو کې طالبان له افغان ځواکونو سره په جگړه اخته دي.

د دغو جگړو رهبري د پاکستانیو ځواکونو په غاړه ده. امنیتی وزیرانو تېره ورځ په مشرانو جرگه کې ویلي، داسې اسناد او شواهد په واک کې لري، چې په هلمند کې د جگړې رهبري د پاکستانیانو په غاړه ده.

پاکستان او طالبان هڅه کوي، چې افغان حکومت له نویو ننګونو او چلنجونو سره مخ کړي. هڅه کوي چې له افغانستانه د نړیوالو ځواکونو په وتلو سره افغانستان تر خپل کنترول لاندې راولي، له همدې امله غواړي د ټولو وسله والو پام افغانستان ته واړوي. په افغانستان کې د جگړې لپاره د پنجابي طالبانو اعلان هم د همدې لپاره دی.

د دې ترڅنگ یوه بله اندېښنه دا ده، چې په دې وروستیو کې په پروان، میدان وردگو، لوگر او یوشمېر نورو ولسوالیو کې د غیر مسووله وسله والو کسانو شمېر هم زیات شوی دی، چې په غلا، وژنو، تښتونو او نورو چارو اخته دي. دې ډلو هم د ولایتونو امنیت ته شدید زیان رسولی دی.

حتی د کابل په یوشمېر ولسوالیو کې خلک په لوی لاس وسله وال شوي دي. چې دې مسالې هم د خلکو اندېښنې را پارولي دي. نو په کار ده، چې لومړی دواړه نوماندان په خپلو کې هر څه ژر

یوه جورجاري ته ورسېږي.

ورپسې امنیتی ځواکونه باید د دغو خپلسریو وسله والو په اړه څېړنه وکړي، چې دغه کسان له کوم ځای نه او ولې وسله وال شوي دي یا د چا له لوري پرې وسلې وپشل شوي دي.

د دوی پر ضد باید جدي مبارزه وشي، مخنیوی یې وشي، ورسره شته وسلې ترې ټولې شي. همدارنګه هیچا ته باید اجازه ور نه کړل شي، چې څوک وسله وال کړي.

امنیتی ځواکونه باید د کابل په شاو خوا ولایتونو کې د طالبانو خلاف ستر عملیات په لاره واچوي او په دې برخه کې له نړیوالو ځواکونو نه هم په هوايي برخه کې مرسته و غواړي. کابل ته غځېدلې ټولې لارې باید امن شي، ځکه طالبان غواړي پر کابل د خوراکي او نفتي توکیو را تلو بهیر هم ټکنی کړي.

امنیتی ځواکونه باید لا ډېر په همغږۍ او هماهنگۍ سره عمل وکړي، ځکه که چېرې یو ځل وسله والو طالبانو په شاو خوا ولایتونو کې دایمي ادې جوړې کړي، اکمالات یې ورته وکړل، خلک یې ورته جذب کړل دا به د اوږده مهال لپاره کابل وګواښي.

د همدغو ولایتونو د چانولو لپاره دوه کاله وړاندې امنیتی ځواکونو ډېرې هڅې وکړي، ځکه هغه مهال هم طالبانو لوگر، میدان وردگ او غزني د خپلو اډو په توگه ټاکلي ول، چې امنیتی ځواکونو د دې ولایتونو د پاکولو لپاره ستر عملیات ترسره کړل. اوس طالبان بیا غواړي چې دا سیمې د خپل نفوذ ساحه وگرځوي، چې چانول به یې بیا د حکومت لپاره گران پېرېځي.

که امنیتی ځواکونه د دغو دواړو مواردو په اړه له ناغبرۍ کار واخلي؛ نو پایلې به یې ښې نه وي. لومړی دا چې د کابل په شاو خوا ولایتونو کې د خپل سړیو وسله والو مخه ونیسي او دویم دا، چې طالبانو ته اجازه ور نه کړي، چې د کابل دروازې په خپله ولکه کې راولي او کابل ښار کلابند کړي.

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
 یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفتار خاړچي
 سه ماهه - ۱۰۰ دالر
 شش ماهه - ۲۰۰ دالر
 نه ماهه - ۳۰۰ دالر
 یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار
 نارسیده به منزل یا دفتار
 سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
 یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
 یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰